مقدمه:

از آنجای که انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی نیازمند تفاهم می باشد، خداوند متعال زبان و قدرت تکلم را در نهاد و سرشت افراد بشر قرار داده، تا در پرتو آن با هم نوعان خویش ارتباط برقرار نموده و به آسانی ما فی الضمیر خود را به یکدیگر تفهیم نمایند.

در اهمیت این نعمت و موهبت الهی همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم، در مقام بیان نعمت ها و مواهب «نعمت بیان و گفتار» را بعد از «خلقت و آفرینش انسان» ذکر فرموده است.

علی رغم اینکه «سخن و گفتار» از ارزش و جایگاه ویژه ای برخوردار است، اما اگر به جا و درست از آن استفاده نگردد، ممکن است دست خوش آفات شده و در نتیجه پیامدهای خطرناک و جبران ناپذیری را به بار آورد.

یکی از آفات زبان، که از دیرباز انسان کم و بیش به آن مبتلا می باشد، «غیبت» است؛ بیماری که آسیب ها و پیامدهای ناگواری را متوجه خود فرد و جامعه ی بشری خواهد کرد.

اگر عواملی را که منجر به این بیماری می شوند، مورد بررسی قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که بسیاری از افراد بر اثر عدم آگاهی از پیامدها ی شوم و ناگوار «غیبت»، مبتلا به این بیماری شده اند؛ که اگر آثار شوم آن را می دانستند شاید به این بیماری گرفتار نمی شدند.

بنابراین اطلاع از پیامدهای «غیبت» می تواند نقش مؤثر و چشمگیری در عدم ابتلا به این بیماری را ایفا نماید.

بنابراین لازم است که بدانیم:

اولا: غیبت چیست؟

ثانیا: چه پیامدهای و آثار زیانباری را به بار می آورد؟

این مقاله سعی بر آن دارد تا با تکیه بر آیات و روایات پیامدهای غیبت را بررسی نماید.

اهمیت و ضرورت بحث:

همانگونه که قبلا هم اشاره گردید، «زبان و قدرت تکلم» از جمله بزرگترین نعمت ها و موهبت های الهی به شمار می رود.

اما باید توجه داشت که هر چیزی که از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار باشد، همانگونه که مسئولیت سنگین تری را بر عهده دارد، خطرات بزرگتری نیز او را تهدید می کند.

از جمله خطرات که همواره «زبان» را تهدید می کند، بیماری مهلک «غیبت» است؛ بیماری که انسان ها از قدیم الایام با آن دست به گریبان بوده و همچنان از آن رنج می برند.

برای محافظت و حراست از این نعمت بزرگ الهی و مقابله با انواع آفات به خصوص «غیبت»، لازم است تدبیرات اساسی سنجیده شود.

با توجه به اینکه پیشگیری بهتر از درمان است، در قدم اول باید فرهنگ پیشگیری از ابتلا به این بیماری را در جامعه نهادینه نماییم و این مهم، تحقق نمی یابد مگر با شناخت دقیق از این بیماری و در راس آن از پیامدهای آن.

بنابراین پرداختن به پیامدهای غیبت، امر ضروری و حیاتی به نظر می رسد.

مفهوم شناسی غیبت

غیبت در لغت:

غیبت در لغت به معنای «پشت سر کسی بدگویی کردن ، عیب او را گفتن، زشت یاد کردن » به کار رفته است.

غیبت در اصطلاح:

غیبت دراصطلاح شرع عبارتست از اینکه: انسان در غیاب و پشت سر مؤمن، عیوب و نقایص او را در قالب سخن و گفتار یا با اشاره و حرکات بیان نماید؛ به طوری که اگر بشنود، ناراحت و آزارده خاطر شود.

پیامبر اعظم(ص) در رابطه با تبیین مفهوم «غیبت» می فرمایند:

«أ تدرون ما الغيبة؟

لله و رسوله أعلم.

قال: ذكرك أخاك بما يكره.»

آیا می‌دانید غیبت چیست؟

پاسخ دادند: خدا و رسولش داناترند.

حضرت فرمودند: یاد کردن توست برادرت را به آنچه خوش نمی‌دارد.

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی غیبت می توان چنین نتیجه گرفت که هرگاه انسان در غیاب کسی به هر شکل و شیوه ی عیبی از عیوب او را بیان نماید، به گونه ی که او از شنیدن آن ناراحت شود، غیبت محسوب می گردد.

از تعریفی که برای غیبت بیان گردید، چند نکته نیز روشن می گردد:

۱ - قلمرو عیب:

«فاش ساختن عیب دیگران» عنصری است که موجب تحقق بخشی غیبت می شود. حال فرق ندارد که آن عیب «جسمانی باشد، یا اخلاقی، در اعمال او باشد یا در سخنش، و حتی در اموری که مربوط به او است مانند: لباس، خانه، همسر و فرزندان و مانند اینها.»

حضرت امام جعفر صادق(ع) در راستای تبیین قلمرو عیوب، چنین می فرمایند:

«وجوه الغیبة تقع بذکر عیب فی الخلق و الفعل و المعاملة و المذهب و الجهل و اشباهه...»

غیبت آنست که انسان عیوب (برادر مسلمان خویش را) در مورد اندام، اعمال، معاشرت و تعامل با دیگران، مذهب، نادانی و نظایر آنها، برای دیگران فاش سازد.

۲ – مصادیق غیبت:

برخی از افراد تصور می کنند که غیبت فقط با گفتن تحقق پیدا می کند؛ در صورتی که اگر «با اشاره ی دست، چشم، ابرو، پا، کنایه و گوشه زدن ، نوشتن و... » صفتی کسی را بیان نماید که او از آن کراهت دارد، آن نیز غیبت محسوب می گردد.

چنانکه از عایشه نقل شده است:

«دخلت علینا امرأة فلما ولت اومأت بیدی أی قصیرة فقال (ص) اغتبتها »

زنی بر ما وارد شد. وقتی تصمیم گرفت که برود من با دستم اشاره نمودم که او کوتاه قد است. رسول اکرم(ص) فرمود: با این عمل از او غیبت نمودی.

۳ – تفاوت غیبت با تهمت:

با توجه به تعریفی که برای غیبت بیان گردید، تفاوت آن با تهمت نیز روشن می گردد؛ زیرا

تهمت عبارتست از نسبت دادن چیزی به مسلمان، که در او نیست.

چنانکه پیامبر اعظم(ص) در بیان روشن، تفاوت غیبت و تهمت را چنین بیان می فرماید:

«إن كان فيه ما تقول فقد اغتبته و ان لم يكن فيه فقد بهته »

اگر آنچه می‌گویی در او باشد غیبتش را کرده‌ای و اگر در او نباشد بهتان زده‌ای.

از حضرت امام صادق(ع) نیز نقل شده است که فرمود:

«الغيبة أن تقول فی أخيك ما ستره اللّه عليه... و البهتان أن تقول فيه ما ليس فيه»

غیبت آن است که در باره ی برادر مسلمانت چیزی را بگویی که خداوند پنهان داشته، و اما اما بهتان این است که چیزی را بگویی که در او وجود ندارد.

حکم فقهی غیبت:

از آنجای که غیبت، پیامدهای فردی و اجتماعی فراوانی را به بار می آورد، در شرع مقدس اسلام، حرام اعلام شده است.

با توجه به اینکه ادله ی احکام شرعی در فقه شیعه منحصر به کتاب، سنت، اجماع و عقل می باشد؛ فقهای شیعی حرمت غیبت را از طریق هر چهار منبع فقهی قابل اثبات دانسته اند.

چنانکه شیخ انصاری (ره) در این زمینه می فرمایند:

«الغيبة حرام بالأدلة الأربعة...»

غیبت از دیدگاه هر چهار منبع حرام است.

پیامدهای غیبت

علی رغم اینکه حرمت غیبت، از مسلمات و ضروریات فقه به شمار می رود و شاید به جرات بتوان ادعا کرد که هیچ مسلمانی در حرمت آن شک و تردیدی ندارد؛ اما متاسفانه کمتر انسانی را می توان پیدا کرد که در شبانه روز مرتکب این عمل ناپسند نشود.

بدون شک غیبت آثار مخرب و زیانبار فراوانی را برای غیبت کننده، غیبت شونده و همچنین برای شنونده ی یا شنوندگان غیبت، به بار می آورد، که در این قسمت آثار غیبت را طی دو مرحله به اختصار بیان می کنیم:

الف: پیامدهای فردی غیبت

۱ – از دست دادن اعمال نیک

بدون تردید اعمال نیک، بزرگترین سرمایه ی انسان به شمار می رود؛ سرمایه ی که سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی او به آن بستگی دارد.

از جمله پیامدها و شاید بتوان گفت دردناک ترین و زجرآورترین پیامدهای غیبت، از دست دادن اعمال نیک و انتقال آن به نامه ی عمل کسی است که غیبت او را کرده است.

عن النبی(ص): یؤتی بأحد یوم القیامة یوقف بین یدی الله، و یدفع إلیه کتابه فلا یری حسناته، فیقول: إلهی لیس هذا کتابی فإنی لا أری فیها طاعتی، فقال: إن ربک لا یضل و لا ینسی، ذهب عملک باغتیاب الناس، ثم یؤتی بآخر و یدفع إلیه کتابه فیری فیها طاعات کثیرة، فیقول: إلهی ما هذا کتابی فإنی ما عملت هذه الطاعات، فیقول: إن فلانا اغتابک، فدفعت حسناته إلیک. »

پیامبر اعظم(ص) فرمودند:

شخصی را روز قیامت در محکمه عدل الهی می آورند و نامه ی عملش را به او می دهند، متوجه می شود که از کارهای خوب او در نامه ی عملش خبر نیست.

می گوید: خدایا! این نامه ی عمل من نیست؛ من در آن عبادت هایم را نمی بینم!

به او گفته می شود:

خداوند هیچ گاه خطا و نسیان نمی کند. اعمال تو با غیبت کردن از بین رفته است.

سپس شخص دیگری را می آورند و نامه ی عملش را به او می دهند، می بیند که خوبی های بسیاری در آن وجود دارد. می گوید: خدایا! این نامه ی عمل من نیست، من چنین طاعاتی را انجام نداده ام. به او گفته می شود: چون فلان شخص از تو غیبت و بدگویی کرده، حسنات و کارهای نیک او به نامه ي عمل تو منتقل شده است.

۲ - مانع قبولی عبادات:

گاه اتفاق می افتد که انسان با کلی زحمت و تلاش عمل نیک و پسندیده ی را انجام می دهد؛ اما با یک لحظه غفلت مرتکب غیبت می شود و بدین وسیله مانع ثبت آن، در نامه ی عمل خویش می شود؛ چرا که یکی از پیامدهای غیبت عدم قبولی طاعات و عبادات است.

اگر در صدد شناسایی سرچشمه ی خطراتی که سرمایه های مادی و معنوی انسان را تهدید می کند، باشیم، متوجه خواهیم شد که سرمایه های مادی انسان معمولا از سوی دیگران مورد تهدید واقع می شود؛ اما این قضیه در سرمایه های معنوی انسان به عکس است!

به این معنی که سرمایه های معنوی انسان بیشترین خطر را از سوی خود انسان متحمل می شود. یعنی انسان گاهی کلی زحمت می کشد کارهای خوب و شایسته انجام می دهد؛ اما با یک لحظه غفلت، مرتکب عمل ناپسند غیبت می شود و بدین وسیله عملا از ثبت سرمایه های معنوی خویش در دفتر و نامه ی عمل خود جلوگیری به عمل می آورد.

پیامبر اعظم(ص) در این زمینه می فرمایند:

«الحفظة یصعد بعمل العبد و له نور کشعاع الشمس حتی اذا بلغ السماء الدنیا و الحفظة تستکثر عمله و تزکیة فاذا انتهی الی الباب قال الملک بالباب اضربوا بهذا العمل وجه صاحبه انا صاحب الغیبة امرنی ربی ان لا ادع عمل من یغتاب الناس یتجاوزنی الی ربی»

ماموراني که مراقب اعمال انسان هستند عمل بنده ای را که مانند شعاع خورشید می درخشد به آسمان بالا می برند ولی فرشته ای که باید اعمال را قبول کند می گوید:

این عمل را به صورت صاحبش بزنید زیرا من از طرف پروردگارم ماموریت یافته ام که نگذارم عمل نیک غیبت کنندگان از من بگذرد و به سوی پروردگارم برود.

همچنین از رسول خدا(ص) در ضمن حدیثی می فرمایند:

«من اغتاب مسلما او مسلمة، لم یقبل اله تعالی صلاته و لا صیامه اربعین یوما و لیلة، الا ان یغفر له صاحبه»

هرکس از مرد یا زن مسلمان غیبت کند خداون متعال نماز و روزه ی او را تا چهل شبانه روز نمی پذیرد مگر آنکه شخص غیبت شده او را ببخشد.

۳ – محرومیت از بهشت:

یکی از پیامدهای ناگوار غیبت محرومیت از بهشت است.

پیامبر اعظم(ص) در این رابطه می فرمایند:

«تحرم الجنة علی ثلاثة: علی النمام، و علی المغتاب، و علی مدمن الخمر»

بهشت بر سه نفر حرام است: سخن چین، کسی که غیبت می کند و کسی که دائم الخمر می باشد.

ازبرخی روایات استفاده می شود که حتی در صورت که غیبت کننده توبه نماید باز هم آخرین نفری خواهد بود که به بهشت وارد می شود.

«و اوحی الله عزوجل الی موسی بن عمران ان المغتاب اذا تاب فهو آخر من یدخل الجنة و ان لم یتب فهو اول من یدخل النار»

خداوند به حضرت موسی وحی فرستاد که اگر غیبت کننده توبه نماید آخرین کسی است که به بهشت وارد می شود و اگر توبه نکند اولین کسی خواهد بود که داخل آتش می شود.

ب: پیامدهای اجتماعی غیبت

۱ – ترور شخصیت:

اسلام همانگونه که برای جان و مال انسان ها اهمیت و ارزش قائل شده است و هرگونه تعرض نسبت به آن را حرام دانسته اعلام کرده است، آبرو و حیثیت او را نیز محترم شمرده است.

پیامبر اعظم(ص) در این زمینه می فرمایند:

«ان الله تعالی حرم من المسلم دمه و ماله و عرضه»

خداوند خون، مال و آبروی مسلمان را بر دیگران حرام کرده است.

«غیبت» از جمله عواملی است که حیثیت و آبروی انسان را به خطر می اندازد، به گونه ای که موجب له شدن آبرو و شخصیت انسان می گردد.

شخص غیبت کننده با غیبت و بدگویی از فردی که سالیان سال با رفتار و منش انسانی در میان مردم آبرومندانه زندگی کرده، به طوری که همگان از او به نیکی و بزرگی یاد می کنند، موقعیت اجتماعی و آبروی چندین ساله ی او را جریحه دار کرده و با این عمل زشت در حقیقت شخصیت او را ترور کرده است.

۲ – از بین بردن وحدت و انسجام:

همان گونه که قبلا بیان گردید انسان موجودی اجتماعی و مدنی است، بدون شک زندگی اجتماعی نیازمند تعاون، تعامل، همکاری و همیاری است؛ تا در سایه ی آن جامعه ی انسانی به شکل منسجم و یکپارچه به سرعت قله های پیشرفت و ترقی را یکی بعد از دیگری فتح نماید.

«غیبت» از جمله عواملی است که وحدت و انسجام انسان ها را در معرض خطر قرار می دهد، و اگر جامعه ی به آن دچار شود مهر و محبت، یک دلی و یک رنگی، صفا و صمیمت از آن جامعه رخت بر می بندد و دشمنی و کینه، جایگزین آن خواهد شد و دیری نخواهد گذشت که جامعه ی منسجم و تک بافته، به دانه های زنجیر از هم گسسته مبدل خواهد شد.

در این زمینه حضرت علی (ع) چنین می فرمایند:

«ایاک و الغیبة، فانها تمقتک الی الله و الناس، و تحبط اجرک»

از غیبت بپرهیز، چون موجب می شود مورد خشم و دشمنی خدا و مردم قرار گیری و اجر و پاداشت نابود شود.

۳ – بر انگیختن حس انتقام جویی:

از آنجای که هر انسانی فطرتا دوست ندارد که کسی دیگری پشت سر او بدگویی نماید، چنانچه بفهمد که کسی پشست سر او بدگویی کرده و آبرو و حیثیت او را جلو دیگران لکه دار نموده است، طبیعتا واکنش نشان داده و و در صدد انتقام جویی بر خواهد آمد.

حضرت امام جعفر صادق (ع) در این رابطه می فرمایند:

«لا تغتب فتغتب و لا تحق لاخیک حفرة فتقع فیها.»

غیبت نکن که مورد غیبت واقع می شوی و برای برادرت گودالی نکن که خود در آن خواهی افتاد.

شاعر چه زیبا سروده است:

چاه مکن بهری کسی

اول خودت دوم کسی

کسی که با غیبت کردن در صدد شکستن و از بین بردن آبرو و حیثیت شخص دیگر می باشد در حقیقت خود را در معرض غیبت قرار می دهد و بدین سان زمینه را برای له شدن شخصیت خود فراهم می سازد.

تا اینجا به برخی از پیامدهای غیبت به طور گذرا اشاره گردید و بدون شک این صفت مذموم، ضررهای فراوانی را بر پیکره ی فرد و جامعه وارد می سازد که مقاله ی حاضر گنجایش بیان تمام آن ها را ندارد و علاقمندان به این بحث را به کتب که در این زمینه نگارش یافته است ارجاع می دهد.

نتیجه گیری

زبان و قدرت تکلم از جمله نعمت ها و موهبت های الهی است که هر انسانی فطرتا از آن بهره مند است.

در اهمیت این نعمت و موهبت الهی همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم، در مقام بیان نعمت ها و مواهب «نعمت بیان و گفتار» را بعد از «خلقت و آفرینش انسان» ذکر فرموده است.

بزرگترین نعمتی که حتی تصور از دست دادن آن نیز برای انسان سنگین و طاقت فرسا است.

علی رغم اینکه «سخن و گفتار» از ارزش و جایگاه ویژه ای برخوردار است، اما اگر به جا و درست از آن استفاده نشود، ممکن است دستخوش آفات شده و در نتیجه پیامدهای خطرناک و جبران ناپذیری را به بار آورد.

از جمله آفاتی که از قدیم الایام انسان به آن کم و بیش گرفتار بوده است بیماری مهلک «غیبت» است؛ بیماری که علاوه بر پیامدهای فردی، پیامدهای اجتماعی را نیز به بار می آورد.

از جمله پیامدهای فردی که غیبت به بار می آورد عبارتند از:

الف: از دست دادن اعمال نیک

ب: عدم قبولی عبادات

ج: محرومیت از بهشت

همانگونه که اشاره گردید غیبت پیامدهای اجتماعی بی شماری را نیز به بار می آورد که عبارتند از:

یک: ترور شخصیت

دو: از بین بردن وحدت و انسجام

سه: برانگیختن حس انتقام جویی

۱.
۲. . الرحمن، ۴.
۳. . قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۳۷، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۴. .عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۵۰۰، موسسه ی انتشارات امیر کبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۵. .العاملی، زین الدین الجبعی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۳، ص ۲۱۴، دار العالم الإسلامی – بیروت، بی تا.
۶. . النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۶۳، دار الکتب الإسلامیة، الطبعة التاسعة، ۱۳۶۸ ش.
۷. . مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۹۲، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۸. . ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۳۳۷، دار الحدیث، الطبعة الاولی، بی تا.
۹. . .العاملی، زین الدین الجبعی، پیشین.
۱۰. . الشهید الثانی، رسائل الشهید الثانی، ص ۲۹۰، مکتبة بصیرتی – قم، بی تا.
۱۱. . الاحسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۷۶، الطبعة الاولی، ۱۴۰۳ هـ.
۱۲. . النجفی، محمد حسن، پیشین.
۱۳. . الکلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۸، دار الکتب الإسلامیة، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵، هـ.
۱۴. . الانصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۳۱۵، الطبعة الاولی، ۱۴۱۵ هـ. ق.

۱۵. . النوری الطبرسی، المحقق، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۱، مؤسسة آل البیت(ع) لاحیاء التراث، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۸ هـق.

۱۶. . الشهید الثانی، رسائل الشهید الثانی، ص ۲۸۵، مکتبة بصیرتی – قم، بی تا.

۱۷. . النوری الطبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۲۲، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۸ هـ ق.

۱۸. .الحر العاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۱، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۴ هـق.

۱۹. . الشهید الثانی، پیشین، ص ۲۸۸.

۲۰. . الجرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۷، ص ۲۳۲، دار الفکر – بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۹، هـ ق.

الانصاری القرطبی، عبدالله محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی) ج ۱۶، ص ۳۳۲، مؤسسة التاریخ العربی – بیروت، ۱۴۰۵ هـق.

۲۱. . ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۳۲۸، دار الحدیث، الطبعة الاولی، بی تا.

۲۲. . الشیخ الصدوق، الامالی، ص ۵۰۵، مؤسسة البعثة، الطبعة الاولی، ۱۴۱۷ هـق.